



اثر مکانیزمهای حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مونا جلیلی

کارشناس ارشد گروه مدیریت مالی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

دکتر عبدالرضا اسعدی^۱

دانشیار گروه مدیریت مالی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۱ فروردین ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۳ مهر ۱۳۹۹)

تحقق بخشی از اهداف حاکمیت شرکتی، مستلزم برخورداری از یک هیئت مدیره مؤثر و کارا است، لذا دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی ویژگیهای هیئت مدیره است. بنابراین انتظار می‌رود، هیئت مدیره که مهمترین و قدرتمندترین عنصر حاکمیت شرکتی است، منجر به اعمال نظارت بهتر بر عملکرد مدیر و از جمله الزام وی به رعایت شیوه‌های محافظه کارانه در جهت حفظ منافع سهامداران و اعتبار دهندگان شود. پژوهش حاضر بدنبال بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۶۴۵ سال- شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ و با بهره‌گیری از الگوی رگرسیونی چندگانه مبتنی بر تکنیک داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که متغیرهای اندازه هیات مدیره، درصد مالکیت نهادی و میزان سهام شناور بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارند، در حالی که میزان درصد مالکیت هیات مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری ندارد.

واژه‌های کلیدی: اندازه هیات مدیره، مالکیت نهادی، مالکیت اعضای هیات مدیره، سهام شناور، محافظه‌کاری حسابداری.

¹ abdorrezasadi@yahoo.com

مقدمه

از عوامل توسعه ی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، توانایی جذب پس اندازها و هدایت آنها به سمت فعالیت های سرمایه گذاری است. فرآیند اختصاص مؤثر سرمایه در ارتقاء و پیشرفت و سلامت نظام اقتصادی نقش مهمی را ایفا نموده و در پی آن بهره وری به وجود خواهد آمد که این امر به نوبه ی خود موجب روان شدن و کارایی بازار می گردد. ایجاد بورس یک راه مناسب برای جذب سرمایه پذیران و سرمایه گذاران جامعه است [۱۳].

اصلی ترین دغدغه شرکت های موجود در بازار بورس اوراق بهادار جذب سرمایه می باشد، از سوی دیگر مهمترین دغدغه صاحبان سرمایه انتخاب بهترین شرکت برای سرمایه گذاری و تفکیک شرکت های موفق و ناموفق از یکدیگر می باشد، آنچه می تواند به کاهش دغدغه های این دو گروه و دستیابی آنها به اهدافشان و همچنین رونق و شکوفایی هرچه بیشتر بورس اوراق بهادار منجر شد حضور و رعایت اصول حاکمیت شرکتی می باشد. زیرا حاکمیت شرکتی مکانیزمی در جهت حداقل کردن زیان ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت که منجر به انتقال ریسک به سرمایه گذاران و حداقل شدن کارایی شرکت ها می گردد [۱۴]. ساختار حاکمیت شرکتی قوی منجر به نظارت بهتر بر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به موقع و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیأت مدیره و انجام اقدامات لازم خواهد گردید [۱۸]. در سوی دیگر، محافظه کاری ایجاد کننده سیستمی است که از اضافه پرداخت به مدیران جلوگیری کرده و مانعی برای هرگونه خوشبینی افراطی مدیران خواهد بود. اگر محافظه کاری واقعاً نقشی در اداره مشکلات نمایندگی ایفا کند، آن گاه انتظار می رود با افزایش تضاد منافع مدیران و مالکان، تقاضا برای محافظه کاری افزایش یابد. به این ترتیب شرکتهایی با ساختار حاکمیت شرکتی مناسبتر، درجه بالاتری از محافظه کاری را نیز نشان می دهند این بدین معنی است که انتظار می رود حساسیت بازده به اخبار بد نسبت به اخبار خوب در بین شرکت هایی با ساختار حاکمیت شرکتی قوی تر، بیشتر باشد [۳].

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحولات ایجاد شده در چند دهه اخیر در محیط کسب و کار بنگاه های تجاری و بازارهای مالی که حاصل عوامل گوناگونی بوده، منجر به مطرح شدن حاکمیت شرکتی شده که پژوهشگران و صاحب نظران بسیاری از رشته های مختلف از دیدگاه خود آن را بررسی و تفسیر کرده اند. به طور کلی حاکمیت شرکتی را می توان شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی دانست که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت ها را تعیین می کند [۲].

مباحث موجود نشان می دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد، تفاوت های چشمگیری در تعریف بر اساس کشور مورد نظر وجود دارد. حتی در آمریکا یا انگلستان نیز رسیدن به تعریف واحد کارچندان آسانی نیست. تعریف های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می گیرند [۴]. اصلی ترین عامل متمایز کننده این تعاریف را می توان پهنه یا گستره حاکمیت شرکتی دانست [۶].

حاکمیت شرکتی "چارچوبی از قوانین و شیوه‌هایی است که در روابط بین شرکت‌ها و همه ذینفعانشان (سرمایه‌داران، مشتریان، مدیران، کارمندان، دولت و جامعه) مسئولیت‌پذیری، عدالت و شفافیت توسط هیئت مدیره تضمین می‌شود.

حاکمیت شرکتی شامل فرآیندهایی است که مقاصد و اهداف شرکت را در زمینه‌های اجتماعی، نظارتی و محیط‌های تجاری تعیین، اندازه‌گیری و پیگیری می‌کنند [۲۲].

در کل حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از فرآیندها، عرفها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتی است که با استفاده از سازوکارهای درون سازمانی و برون سازمانی، نحوه هدایت، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حاکمیت شرکتی همچنین شامل ارتباطات میان ذی‌نفعان شرکت و اهدافی است که شرکت برای دستیابی به آنها فعالیت می‌کند [۶].

ضرورت حاکمیت شرکتی ناشی از تضاد منافع ذی‌نفعان در ساختار شرکتی است. تضاد منافع، خود ناشی از دو علت اصلی است؛ نخست اینکه هر یک از ذی‌نفعان، اهداف و ترجیحات متفاوتی دارند و دوم آنکه هر یک اطلاعات کاملی در مورد اقدامات، دانش و ترجیحات دیگری ندارند. بدیهی است این تفکیک با فرض نبود سازوکارهای مؤثر و اجرایی حاکمیت شرکتی، زمینه‌ساز اقدام مدیران در راستای تأمین منافع خود و نه لزوماً تأمین منافع سهامداران خواهد شد.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در استقرار نظام حاکمیت شرکتی از طریق قانون‌گذاری و نظارت و نیز اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه صورت گرفته است. سرمایه‌گذاران و سهامداران آگاهی بیشتری در مورد ضرورت و اهمیت نظام حاکمیت شرکتی یافته‌اند و نسبت به پیگیری و استقرار این نظام در شرکتها علاقه مند شده‌اند [۶].

حاکمیت شرکتی مسئولیت‌هایی را به افراد مختلف اختصاص و تخصیص می‌دهد از جمله: اعضای هیات مدیره، مدیران، سهامداران، اعتبار دهندگان، حساب‌برسان و دیگر ذینفعان و قوانین و شیوه‌هایی را برای تصمیم‌گیری در امور شرکت برقرار می‌کند [۲۲]. این مسئولیت‌ها موجب می‌شوند که مدیران شرکت‌ها تصمیمات خود را بر منابع سهامداران و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت معطوف کنند، به طوری که با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، شرکتها نسبت به انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود و نیز میزان کارآفرینی شرکت در جامعه بهتر اقدام می‌کنند [۵].

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر چشمگیری داشته باشد. مطالعات نشان داده است که حتی در شرکت‌های هولدینگ این مکانیزم‌ها بطور معناداری بر عملکرد آنها و همچنین عملکرد شرکت‌های تابعه آنها اثر گذار است. بطوری که حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند عملکرد مالی مطلوبی را برای شرکت مادر و توابع آن بدنبال داشته باشد [۱]. از سوی دیگر مکانیزم‌های حاکمیتی تصمیم‌گیری مدیران شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و موجب می‌شود که آنها نسبت به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود در شرکت با دقت بیشتری عمل کرده در نتیجه کارایی سرمایه‌گذاری شرکت افزایش می‌یابد [۸].

محافظه کاری ریشه در قرون وسطی دارد، در آن زمان که صاحبان املاک، اداره املاک خود را به مباشر می سپردند، مباشر می دانست اگر محافظه کاری پیشه کند و افزایش ارزش ها را پیش بینی نکند؛ خود را در قبال مسئولیتی که به او واگذار شده بیمه کرده است. زیرا اگر افزایش ارزش ها به واقعیت نمی پیوست در آن صورت مالک ممکن بود مباشر خود را مقصر بداند [۱۶]. ثبتهای تاریخی حسابداری در اوایل قرن پانزدهم میلادی درباره معاملات مشارکتی و تضامنی نشان می دهد که حسابداری در اروپای قرون وسطی محافظه کارانه بوده است [۱۴].

در ادبیات حسابداری تا کنون تعاریف متعددی از محافظه کاری صورت پذیرفته است که برخی از آنها عبارتند از :

- واتز و زیممن در تعریف محافظه کاری چنین نوشته اند: "محافظه کاری یعنی این که حسابدار باید از بین ارزشهای ممکن برای داراییها، کمترین و برای بدهیها، بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینهها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر".
- باسو محافظه کاری حسابداری را رویه ای میداند که در واکنش به اخبار خوب و بد متضاد عمل می کند، به طوری که در مقابل اخبار بد، سود و داراییها را کمتر نشان میدهند ولی در مقابل اخبار خوب سود و داراییها را بیشتر نشان نمیدهند.
- واتس [۲۳] محافظه کاری حسابداری را این چنین تعریف میکند: "لزوم تفاوت قایل شدن در تایید پذیری شناسایی سود در مقابل زبان" واتس همچنین بیان می کند که یکی از نقش های مهم محافظه کاری، محدود کردن رفتار گزارشگری مالی فرصت طلبانه ی مدیران و نیز خنثی کردن و از بین بردن سوگیری های اعمال شده در گزارش های مالی توسط افراد سود جو و منفعت طلب است [۲۱].
- گیولی و هاین محافظه کاری عبارت از انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به کمترین دارایی و درآمد بی انجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد.
- گوی و ورجیا معتقدند که محافظه کاری از طریق شناسایی بلادرنگ زبان ها و به تأخیر انداختن شناسایی سودهای اقتصادی، فرصت های مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی را کاهش می دهد [۱۰].

محافظه کاری علیرغم انتقادهای فراوان بر آن همواره جایگاه خود را در میان سایر اصول حسابداری حفظ نموده و می توان از آن به عنوان مکانیسمی نام برد که اگر به درستی اعمال شود، منجر به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد که به طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تأمین کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می شود.

تحقیقاتی که درباره محافظه کاری انجام گرفته است، مؤید اهمیت نقش این میثاق حسابداری در زمینه های مختلفی از قبیل برطرف کردن مسائل برخاسته از نمایندگی، بی اثر ساختن مسائل ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده کنندگان آگاه و ناآگاه، احقاق حقوق ذینفعان شرکت، تأثیر مثبت بر

کاهش هزینه‌های استقراض و هزینه‌های سرمایه، نقش بازدارندگی در قبال وقوع رسواییهای مالی و همچنین نقش انکارناپذیر آن در مبحث حاکمیت شرکتی و سایر موارد است [۱۷]. در ادبیات حسابداری ریشه محافظه‌کاری در گزارشگری مالی به وسیله چهار عامل اقتصادی تبیین می‌شود:

۱. تفسیر قراردادی محافظه‌کاری: قرارداد بین شرکت و اشخاصی که در استخدام آن هستند (مانند مدیران) و همچنین قراردادهایی که بین شرکت و طرف‌های خارج از شرکت وجود دارد (بدهی به سهامداران و سایر اعتباردهندگان)

۲. تفسیر دعوای قضایی محافظه‌کاری: افزایش در هزینه‌های دعوای قضایی

۳. تفسیر قانونگذاری محافظه‌کاری: دیدگاه قانون‌گذاران و تعدیلکنندگان حسابداری مانند ESC و FASB

۴. تفسیر مالیاتی محافظه‌کاری: ارتباط بین سود گزارش شده و مالیات.

حاکمیت شرکتی نقش مهمی در استفاده از محافظه‌کاری ایفا می‌کند. حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از رویه‌هایی است که برای کسب اطمینان نسبت به استفاده کارا از دارایی‌های شرکت و عدم بکارگیری آنها در جهت اهدافی مغایر با اهداف ذینفعان پیاده می‌شوند. ساختار حاکمیت شرکتی قوی منجر به نظارت بهتر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به موقع، و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیأت مدیره و انجام اقدامات لازم خواهد گردید. محافظه‌کاری نیز تمامی منافع ذکر شده در بالا را به دنبال خواهد داشت [۱۸].

هیأت مدیره‌ها نقش اساسی در تصمیم‌سازی دارند و حیاتی‌ترین جزء ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، نظارت داشتن بر مدیریت است [۱۷]. محافظه‌کاری به عنوان ابزاری مفید برای هیأت مدیره برای اجرای کامل وظایف کلیدی همچون تعیین استراتژی‌ها، نظارت همه‌جانبه بر مدیران اجرایی شرکت، اطمینان نسبت به پاسخگویی به سهامداران و ذینفعان در سالهای جدید مطرح شده است [۱۹].

محافظه‌کاری ایجادکننده سیستمی است که از اضافه پرداخت به مدیران جلوگیری کرده و مانعی برای هرگونه خوشبینی افراطی مدیران خواهد بود [۲۲]. نبود سیستم حسابداری محافظه‌کارانه باعث می‌شود که مدیران همچنان پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی را ادامه داده تا زمانی نسبت به فروش‌های خود گزارش نکنند با شناسایی سریعتر زیان‌ها، محافظه‌کاری به هیأت مدیره در تمایز قائل شدن بین پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی با دیگر پروژه‌ها کمک می‌کند [۱۵]. مدیران برای جلوگیری از عزل خود سعی در پنهان کردن زیان‌ها دارند تحمل زیان‌ها و یا پذیرش پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی می‌تواند سهامداران را به سمت برکنار کردن مدیران سوق دهد. بکارگیری محافظه‌کاری، شناسایی به موقع زیان‌ها را سرعت بخشیده و برای هیأت مدیره و سهامداران شواهدی از ناکارایی عملیات فراهم آورده و آنان را نسبت به پیگیری زیان و بررسی دلایل آن هوشیار می‌سازد. چنین بررسی‌هایی می‌تواند منجر به کنارگذاری مدیر و حذف پروژه‌هایی که ارزش فعلی خالص منفی دارند، شود. به دلیل وجود چنین تضادی بین منافع وانگیزه‌های مدیران، سهامداران و سایر تأمین‌کنندگان سرمایه، سازوکارهای

ساختار حاکمیت شرکتی به کار گرفته می‌شوند تا با نظارت مؤثر بر قراردادهای و رفتار مدیریت، مشکلات نمایندگی را کاهش دهند [۳].

کیم و ژانگ (۲۰۱۶) در مقاله "محافظه کاری حسابداری و ریسک کاهش قیمت سهام" که از نمونه‌های بزرگی از شرکت‌های ایالات متحده استفاده شده، نشان می‌دهند که محافظه کاری مشروط به احتمال کمتری موجب خرد شدن قیمت سهام در آینده می‌شود. اگر چه آنها دریافتند که ارتباط بین محافظه کاری و ریسک خرد شدن قیمت سهام برای شرکت‌هایی با عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر محتمل‌تر است. لارا و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله "محافظه کاری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکتها" به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا محافظه کاری، کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد. همچنین آنها پیش بینی کردند که محافظه کاری می‌تواند تضاد بدهی سرمایه‌ای را رفع کند و دسترسی شرکت‌ها را به بدهی مالی و محدودیت کم سرمایه‌گذاری آسان نماید. آنها دریافتند که شرکت‌های محافظه کارتر سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کنند و همچنین بدهی بیشتری را در کم سرمایه‌گذاری منتشر می‌کنند که در شرکت‌های مورد بررسی موجب عدم تقارن اطلاعاتی شده است [۲۲].

واتز (۲۰۰۳) به بررسی تاثیر محافظه کاری بر ارزش شرکت پرداختند. ایشان به این نتیجه رسیدند که حسابداری محافظه کارانه از طریق تاثیرگذاری بر بهبود ظرفیت بدهی‌های شرکت و رفتار فرصت طلبانه مدیران باعث افزایش ارزش شرکت می‌گردد [۲۳].

کردستانی، و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود به بررسی اثر محافظه کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. برای این بررسی از داده‌های ۱۴۹۶ مشاهده در شرکت‌های بورس تهران استفاده شده و نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که محافظه کاری مشروط با حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ای منفی دارد اما نظام راهبری قوی شرکت می‌تواند این رابطه را تضعیف کند. آنها نشان دادند که در شرکت‌های با نظام راهبری قوی‌تر، محافظه کاری حسابداری نقش کمتری در کاهش حق الزحمه حسابرسی دارد [۱۱].

علیمرادی و زمانی (۱۳۹۸) در تحقیق خود رابطه تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی را در رابطه میان ناکارایی کارکنان و جریان نقد آزاد با مدیریت سود شرکت‌ها مورد مطالعه قرار دادند. آنها برای این بررسی از داده‌های ۹۲ شرکت در طی پنجسال از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ استفاده کردند. نتایج آزمون با رگرسیون‌های چندگانه نشان داده است که حاکمیت شرکتی از شدت رابطه مستقیم ناکارایی کارکنان بر مدیریت سود می‌کاهد ولی بر رابطه جریان نقدی آزاد و مدیریت سود مؤثر نیست [۹].

دیدار و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نمونه مورد مطالعه ۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. نتایج نشان داد که محافظه کاری شرطی باعث افزایش کیفیت ارقام تعهدی و پایداری سود شده اما بر کیفیت افشاء تاثیر معناداری نداشته و همچنین محافظه کاری غیر شرطی تأثیر معناداری بر کیفیت ارقام تعهدی و کیفیت افشاء نداشته ولی باعث افزایش پایداری سود شده است.

شکی و معطوفی (۱۳۹۵) در این تحقیق به بررسی رابطه بین ترکیب مالکیت نهادی و محافظه‌کاری در حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ و تعداد نمونه ۱۳۳ شرکت می‌باشد. نتایج نشان داد، مالکیت نهادی غیرفعال با محافظه‌کاری حسابداری رابطه منفی معناداری وجود دارد و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت معناداری وجود دارد [۷].

مهربانی و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی با هدف تعیین تاثیر ویژگیهای هیئت مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری و ارزیابی نقش هیئت مدیره در حفظ منافع ذینفعان از طریق محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نمونه تحقیق ۱۱۵ شرکت که در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ به روش غربالگری انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از، وجود رابطه مستقیم و معنادار بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیات مدیره و غیر موظف بودن رییس هیات مدیره و در صد اعضای غیرموظف هیات مدیره، و عدم وجود رابطه مستقیم و معنادار بین اندازه هیئت مدیره و تخصص مالی اعضای هیئت مدیره و مدت تصدی مدیر عامل با محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد [۱۲].

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه مطالعات یاد شده، در این پژوهش فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده‌اند:

۱. اندازه هیات مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارد.
۲. درصد مالکیت هیات مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارد.
۳. درصد مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارد.
۴. میزان سهام شناور بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهشهای شبه تجربی در حوزه تحقیقات مالی و حسابداری می‌باشد زیرا در واقع در روش تحقیق نیمه تجربی محقق روابط بین متغیرهایی که خود آنها را دستکاری نکرده است و بگونه‌ای در گذشته اتفاق افتاده‌اند مورد بررسی و مطالعه و تاثیر آنها را بر متغیرهای مورد نظر مورد مشاهده قرار می‌دهد.

همچنین به جهت کاربرد نتایج این تحقیق در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها می‌توان پژوهش حاضر را از نظر هدف کاربردی نیز نامید. همچنین روش پژوهش حاضر از نوع علی پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) و روش آماری آن همبستگی می‌باشد. در این نوع پژوهش‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالها ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ هستند که معیارهای ذیل را داشته باشند:

۱. در دوره‌ی مورد بررسی تغییر دوره‌ی مالی نداشته باشند.
 ۲. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری‌های مالی، بانک و لیزینگ نباشند.
 ۳. داده‌های مورد نظر آن‌ها در دسترس باشد.
 ۴. شرکت‌هایی که در دوره پژوهش فعال بوده اند.
- در نهایت با توجه به محدودیت‌های ذکر شده تعداد ۱۲۹ شرکت برای یک دوره ۵ ساله به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه انتخاب شده اند که با توجه به دردسترس بودن داده‌های لازم تمام شرکت‌ها مورد مطالعه قرار گرفته اند.

برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق از آماره معنی‌داری F در رگرسیون چندگانه بوسیله‌ی نرم افزار Eviews و برای ایجاد پایگاه داده‌های مورد نیاز از نرم افزار EXCEL استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

اندازه هیات مدیره (Boardsize): برابر است با تعداد اعضای هیات مدیره شرکت.
درصد مالکیت هیات مدیره (Bown): عبارت است از درصد سهامی که مدیران موظف و غیر موظف هیات مدیره شرکت در اختیار دارند.

درصد مالکیت نهادی (Insown): عبارت است از مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به بانکها و بیمه‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های هلدینگ، سازمان‌ها و شرکتهای دولتی است.
میزان سهام شناور آزاد (Float): میزان سهام شناور شرکت که توسط سازمان بورس گزارش می‌شود، که سهام در اختیار مالکانی است که جدای از سهامداران اصلی و عمده شرکت بوده و در آینده نزدیک احتمال معامله آن وجود دارد [۳].

محافظه کاری حسابداری (CSCOR): با الهام از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) معیار محافظه کاری به روش اقلام تعهدی به شکل زیر در این پژوهش استفاده شده است که هرچه مقدار آن بزرگتر باشد بیانگر بالاتر بودن محافظه کاری است [۱۵]. با گذشت هر سال، اقلام تعهدی غیر عملیاتی نسبت به سال قبل به صورت معنی دار منفی تر (کوچکتر) شده که بر این اساس با گذشت زمان محافظه کاری بیشتر را نشان می‌دهد. به همین منظور برای همسو کردن جهت مقادیر جبری اقلام تعهدی غیر عملیاتی و محافظه کاری از قرینه‌این اقلام استفاده میشود.

$$(-1) \text{ * } \frac{\text{خالص جریان نقد عملیاتی} - \text{هزینه های غیر نقدی} + \text{سود عملیاتی}}{\text{جمع داراییها در اول دوره}} = \text{شاخص محافظه کاری حسابداری}$$

اهرم مالی (Lev): که عبارت است از حاصل تقسیم کل بدهی‌های شرکت بر دارایی‌های آن.

اندازه شرکت (Size): از حاصل لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت بدست می‌آید.

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره زیر استفاده شده است:

$$CSCOR_{it} = \alpha_0 + \beta_1 Bordsiz_{it} + \beta_2 Bown_{it} + \beta_3 Insown_{it} + \beta_4 Float_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 Size_{it} + \varepsilon$$

که در آن:

CSCOR: محافظه‌کاری حسابداری

Bordsiz: اندازه هیات مدیره

Bown: درصد مالکیت هیات مدیره

Insown: درصد مالکیت نهادی

Float: میزان سهام شناور آزاد

Lev: اهرم مالی

Size: اندازه شرکت

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه و انحراف معیار را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود برای مثال در ۶۴۵ مشاهده (سال-شرکت) میانگین متغیرهای محافظه‌کاری حسابداری ۰,۰۱۴ با انحراف معیار ۰,۲۲۴، مالکیت اعضای هیات مدیره ۰,۲۱۴ با انحراف معیار ۰,۲۸۵ و درصد مالکیت نهادی ۰,۲۶۱ با انحراف معیار ۰,۳۲۶ است.

جدول ۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	محافظه کاری حسابداری	درصد مالکیت هیات مدیره	درصد مالکیت نهادی	اندازه هیات مدیره	میزان سهام شناور آزاد	اهرم مالی	اندازه شرکت
	CSCOR	Bown	Insown	Bordsiz	Float	Lev	Size
مشاهدات	۶۴۵	۶۴۵	۶۴۵	۶۴۵	۶۴۵	۶۴۵	۶۴۵
میانگین	۰,۰۱۴	۰,۲۱۴	۰,۲۶۱	۵,۰۵	۰,۱۸۰	۰,۶۰۲	۱۴,۲۷۹
ماکزیمم	۲,۳۹۱	۰,۳۵۴	۰,۸۲۰	۸	۰,۶۹۷	۲,۳۱۵	۱۸,۹۸۰
مینیمم	-۱,۳۷۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۳	۰,۰۰۰	۰,۰۹۰	۱۱,۲۸۳
انحراف معیار	۰,۲۲۴	۰,۲۸۵	۰,۳۲۶	۰,۳۳۸	۰,۱۳۰	۰,۲۲۶	۱,۴۷۳
چولگی	۰,۵۲۶	۰,۸۹۲	۰,۲۴	۳,۶۴۱	۰,۷۳۷	۰,۹۸۶	۱,۰۹۳
کشیدگی	۲۷,۵۰	۲,۴۷۷	۶,۱۰۶	۳۰,۴۷۳	۳,۴۴۸	۸,۵۳۵	۳,۸۵۸

آمار استنباطی

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و اجرای آمار استنباطی لازم است، جهت تشخیص روش مناسب آزمون بین داده‌های جمعی (Pool data) و داده‌های ترکیبی (Panel data) آزمون F لیمر بکار گرفته شده که نتایج آن در جدول ۲ مشاهده می‌شود. در این آزمون فرض صفر مناسب بودن آزمون داده‌های جمعی است. چنان که مشاهده می‌شود بر اساس مقدار معناداری (P-Value) کمتر از ۰/۰۵ فرض صفر رد شده و فرض مقابل که مناسب بودن روش داده‌های ترکیبی است پذیرفته شده است.

جدول ۲) نتایج آزمون F لیمر

مدل	آماره F	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
مدل اصلی	۷,۵۰۵	۶۳۲,۴	۰,۰۰۰	روش داده‌های ترکیبی مناسب است

پس از تشخیص مناسب بودن روش آزمون داده‌های ترکیبی، لازم است جهت انتخاب بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی مقدار ثابت مدل، آزمون هاسمن مورد استفاده قرار گرفته که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است. فرض صفر این آزمون مناسب بودن روش با اثرات تصادفی و فرض مقابل آن مناسب بودن اثرات ثابت است. چنان که ملاحظه می‌شود چون مقدار معناداری (P-Value) کوچکتر از ۰/۰۵ شده است، پس با رد فرض صفر آزمون می‌توان پذیرفت که روش اثرات ثابت برای مدل مناسب است و برای آزمون فرضیه‌ها باید از این روش استفاده کرد.

جدول ۳) نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
مدل اصلی	۲۴,۲۵۱	۷	۰,۰۰۱	روش اثرات ثابت مناسب است

پس از تشخیص روش‌های مناسب آزمون مدل پژوهش، جهت بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس مدل در این پژوهش از آزمون بروش پاگان، کوک و ویسبرگ استفاده شده و نتایج آن در جدول ۴ آمده است. فرض صفر این آزمون وجود همسانی واریانس و فرض مقابل ناهمسانی واریانس را نشان می‌دهد. چنان که در جدول آمده است چون مقدار معناداری (P-Value) بزرگتر از ۰/۰۵ است می‌توان فرض صفر را پذیرفت که به معنی عدم وجود ناهمسانی واریانس در مدل پژوهش است.

جدول ۴) نتایج آزمون بروش پاگان، کوک و ویسبرگ

مدل	آماره بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	p-value	نتیجه آزمون
مدل اصلی	۰,۴۱۱	۰,۸۹۶۱	ناهمسانی واریانس وجود ندارد

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از تشخیص روش با اثرات ثابت به عنوان روش مناسب آزمون، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش مدل رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

یکی از مشکلات معمول در یک مدل رگرسیونی، وجود همبستگی بین مقادیر باقیمانده‌های مدل است. در صورت وجود مشکل خودهمبستگی ویژگی‌های بهترین برآوردکننده خطی بدون تورش خدشه‌دار شده و در نتیجه استنباط آماری قابل اعتماد نخواهد بود. به این منظور آماره دوربین واتسون برای بررسی خطای تصریح در مدل استفاده می‌شود. بطوری که اگر مقدار این آماره بین مقادیر ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشته باشد می‌توان گفت مشکل خودهمبستگی مقادیر باقیمانده‌ها مشاهده نمی‌شود. همان طور که مشاهده می‌شود مقدار این آماره در مدل ۲/۱۹۵ شده است که به معنی عدم وجود مشکل خود همبستگی می‌باشد. جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون از آزمون F استفاده شده که مقدار آن ۱۲/۶۰۸ با سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد که کل مدل با اطمینان ۰/۹۵ معنادار است. همچنین ضریب تعیین (R^2) مدل معادل ۰/۴۶۵ بدست آمده که نشان می‌دهد این متغیرهای مستقل مدل می‌توانند بیش از ۴۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته (محافظه‌کاری حسابداری) را تبیین نمایند.

جدول ۵) نتایج آزمون مدل پژوهش به روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: محافظه‌کاری حسابداری (CSCOR)				
متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری (P-Value)
C	-۰,۱۱۲	۰,۰۹۳	-۱,۱۹۳	۰,۲۳۳
Bordsiz	-۰,۰۳۰۷	۰,۰۱۴	-۲,۱۹۸	۰,۰۲۸۳
Bown	۰,۰۲۴۱	۰,۰۲۰۱	۱,۱۹۸	۰,۲۳۱
Insown	۱,۰۴۱	۳,۸۳۱	۲,۷۰۷	۰,۰۰۷
Float	۰,۰۷۰۴	۰,۰۳۱	۲,۲۶۱	۰,۰۲۴
Lev	۰,۳۵۷	۰,۰۳۵	۱۰,۰۸۴	۰,۰۰۰
Size	۰,۰۰۳	۰,۰۰۴	۰,۸۸۷	۰,۳۷۶
آماره F فیشر	۱۲,۶۰۸		سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰
ضریب تعیین R^2	۰,۴۶۵		آماره دوربین واتسن	۲,۱۹۵

با توجه به ضرائب برآورد شده برای متغیرهای مستقل مدل و سطح معناداری آنها می‌توان نسبت به آزمون فرضیه‌های پژوهش اظهار نظر نمود. همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ضریب برآورد شده برای متغیر اندازه هیات مدیره (Bordsiz) مقدار -۰/۰۳۰۷ دارای آماره t معادل -۲/۱۹۸ و سطح معناداری ۰/۰۲۸۳ شده است. این نشان می‌دهد که اندازه هیات مدیره شرکت می‌تواند اثری منفی بر ضریب محافظه‌کاری حسابداری داشته باشد. بدین مفهوم که با بزرگتر شدن اندازه هیات مدیره می‌توان انتظار داشت که از محافظه‌کاری حسابداری کاسته شود و بالعکس. ضمناً چون سطح معناداری (P-Value) از

۰/۰۵ کوچکتر است نشان می‌دهد این ضریب در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار است، بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر اثر اندازه هیات مدیره بر محافظه کاری حسابداری پذیرفته می‌شود. همچنین مشاهده می‌گردد که ضریب برآورد شده برای متغیر درصد مالکیت هیات مدیره (Bown) معادل ۰/۰۲۴۱ با آماره t معادل ۱/۱۹۸ و سطح معناداری ۰/۲۳۱ شده است. این نشان می‌دهد که مالکیت اعضای هیات مدیره اثر مثبتی بر ضریب محافظه کاری حسابداری می‌تواند داشته باشد، اما از آنجا که سطح معناداری (P-Value) از ۰/۰۵ بزرگتر است حاکی از آنست که این ضریب در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار نیست، بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اثر مالکیت اعضای هیات مدیره بر محافظه کاری حسابداری رد می‌شود.

همانطور که در جدول ملاحظه می‌گردد، پارامتر برآورد شده متغیر درصد مالکیت نهادی (Insown) برابر ۱/۰۴۱ با آماره t معادل ۲/۷۰۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۷ شده است. این ضریب بیانگر آن است که درصد مالکیت نهادی در شرکت می‌تواند به ازای هر واحد افزایش (کاهش)، محافظه کاری حسابداری را معادل ۱/۰۴۱ واحد افزایش (کاهش) دهد. بنابراین این متغیر بر متغیر وابسته مدل اثر مثبتی دارد و ضمناً چون سطح معناداری (P-Value) آن از ۰/۰۵ کوچکتر است نشان می‌دهد این اثر در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار است، بنابراین فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اثر درصد مالکیت نهادی بر محافظه کاری حسابداری پذیرفته می‌شود.

از سوی دیگر جدول نشان می‌دهد که ضریب برآورد شده برای متغیر میزان سهام شناور آزاد (Float) برابر ۰/۰۷۰۴ و آماره t آن معادل ۲/۲۶۱ و سطح معناداری ۰/۰۲۴ شده است. این پارامتر نشان می‌دهد که میزان سهام شناور آزاد می‌تواند بر ضریب محافظه کاری حسابداری اثر داشته باشد و بازای هر واحد تغییر آن متغیر وابسته بمقدار ۰/۰۷۰۴ واحد تغییر خواهد کرد. بعبارت دیگر با افزایش سهام شناور آزاد می‌توان انتظار داشت که میزان محافظه کاری حسابداری نیز افزایش یابد و بالعکس. ضمناً چون سطح معناداری (P-Value) از ۰/۰۵ کوچکتر است نشان می‌دهد این ضریب معنادار است، بنابراین فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اثر میزان سهام شناور آزاد بر محافظه کاری حسابداری پذیرفته می‌شود.

همچنین یافته‌های جدول بیانگر آن است که ضریب برآورد شده برای متغیر کنترلی اهرم مالی (Lev) با مقدار ۰/۳۵۷ دارای آماره t معادل ۱۰/۰۸۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ شده است. این نشان می‌دهد که اهرم مالی می‌تواند بر ضریب محافظه کاری حسابداری اثر معناداری داشته باشد. بدین مفهوم که با افزایش (کاهش) اهرم مالی محافظه کاری حسابداری نیز افزایش (کاهش) خواهد یافت.

نتیجه گیری

بطور کلی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از این است که ساز و کارهای حاکمیت شرکتی مورد بررسی، بجز درصد مالکیت هیات مدیره، می‌توانند بر ضریب محافظه کاری حسابداری اثر معناداری داشته باشند.

بر اساس نتایج فرضیه اول می‌توان گفت اندازه هیات مدیره می‌تواند به گونه‌ای معکوس میزان محافظه کاری حسابداری را تغییر دهد. افزایش تعداد اعضای هیات مدیره موجب کاهش محافظه کاری

حسابداری می‌شود. این نتیجه می‌تواند ناشی از افزایش اطمینان نسبت به تصمیمات هیات مدیره و نتیجتاً ریسک پذیری بیشتر هیات مدیره و کاهش محافظه‌کاری تلقی شود. این نتیجه بدست آمده با تحقیقات جوآن هو [۱۹] و حساس یگانه و احمدی [۳] همخوانی دارد.

نتایج حاصل از فرضیه دوم نشان داد که درصد مالکیت هیات مدیره در شرکت اثر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری نمی‌تواند داشته باشد. بعبارت دیگر محافظه‌کاری حسابداری تحت تاثیر میزان سهام در اختیار اعضای هیات مدیره قرار نمی‌گیرد. این نتیجه می‌تواند بدین دلیل باشد که آنچه بر تصمیمات شرکت اثرگذار است بیشتر اندازه و کیفیت هیات مدیره است تا میزان مالکیت آنها. البته این نتیجه با نتایج جوآن هو [۱۹] همخوانی ندارد.

با توجه به نتایج فرضیه سوم می‌توان چنین استنباط کرد که با افزایش درصد مالکیت نهادی، این سهامداران انگیزه بیشتری برای نظارت بر مدیران خواهند داشت و از آنجا که بیشتر این سهامداران نهادهای نزدیک به دولت هستند و از حمایت‌های دولت بهره می‌برند، بدلیل نفوذ سیاسی و مالی خود تاثیر گذاری بیشتری بر تصمیمات شرکت دارند و می‌توانند موثرتر از سایر سهامداران عمل می‌کنند. این گروه از سهامداران تمایل بیشتری به اعمال محافظه‌کاری حسابداری از خود نشان خواهند داد. این نتیجه نیز با نتایج تحقیقات شکی و معطوفی [۷] همخوانی دارد.

بر اساس نتیجه فرضیه چهارم پژوهش که حاکی از اثر میزان سهام شناور آزاد بر محافظه‌کاری حسابداری است، نیز می‌توان پذیرفت که با افزایش سهام در اختیار سهامداران جزء که آمادگی معامله در بازار را دارند و این می‌تواند بر ارزش سهام و تغییرات آن در بازار اثرگذار باشد، شرکت‌ها جهت انتقال اطلاعات مربوط خود و اثرگذاری بر این معاملات تمایل بیشتری به اعمال محافظه‌کاری حسابداری از خود نشان خواهند داد. این نتیجه نیز با نتایج حساس یگانه و احمدی [۳] سازگار است.

با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش، به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران پیشنهاد می‌شود تا در راستای تصمیمات سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت، در کنار استفاده از ارقام ارائه شده در صورت‌های مالی به برخی معیارهای کیفیت سود از قبیل محافظه‌کاری سود نیز توجه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که این نامیه مقرراتی در خصوص اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی توسط سازمان‌های ذیربط از قبیل سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار تدوین و ابلاغ شود تا اعمال این رویه قانونمند و یکسان شود.

فهرست منابع

۱. اسعدی، عبدالرضا (۱۳۹۵)، "حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های هلدینگ و تابعه در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه راهبرد مدیریت مالی**، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۱۵۱-۱۲۹.
۲. ثقفی، علی و طالبی نجف‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۵)، "تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های عرضه اولیه شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۲۴-۱.

۳. حساس یگانه، یحیی و احمدی، مرتضی (۱۳۹۲)، "رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری"، **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۵۲-۲۹.
۴. جعفری، فرزین و همتی، حسن (۱۳۹۴)، "مطالعه تاثیر نوع صنعت بر روی روابط حاکمیت شرکتی و بهره‌وری شرکت‌ها"، **مدیریت بهره‌وری**، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۲۶-۷.
۵. سعیدیان، مسعود، سعیدی، پرویز، سمیعی، روح‌الله و اشرفی، مجید (۱۳۹۸)، "ارائه الگویی نوین از حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتی: مسئولیت اجتماعی و کارآفرینی شرکتی و نقش تعدیل‌کنندگی فناوری اطلاعات"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۳، صص ۱۵۰-۱۳۳.
۶. سیف، ولی‌الله (۱۳۹۳)، "حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات"، **فصلنامه روند**، سال ۲۱، شماره ۶۸، صص ۴۵-۱۵.
۷. شکی، زهره و معطوفی، علیرضا (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه بین ترکیب مالکیت نهادی و محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری**، ۳۱ تیر، تهران.
۸. صلواتی، سمانه سادات و اسعدی، عبدالرضا (۱۳۹۶)، "بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و جریان نقدی با کارآیی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها"، **فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری**، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۲۰۲-۱۸۷.
۹. علیمردی، عباس و زمانی، فرزاد (۱۳۹۸)، "بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و نوع صنعت بر رابطه بین ناکارآیی کارکنان و جریان نقد آزاد با مدیریت سود"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳۱، صص ۸۶-۷۵.
۱۰. کامیابی، یحیی و نورعلی، مهدیه (۱۳۹۵)، "بررسی اثر میانجی محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه حسابداری مالی**، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۲۶-۱.
۱۱. کردستانی، غلامرضا، عبدی، مصطفی و کاظمی، مهدی (۱۳۹۸)، "تاثیر محافظه‌کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری بر کاهش ریسک دعاوی حقوقی و حق الزحمه حسابرسی"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۴، صص ۴۳-۲۳.
۱۲. مهربانی، مهدی، زلّقی، حسن و ملیحی، سیدعلی (۱۳۹۴)، "بررسی ویژگی‌های هیات مدیره بر محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله دانش حسابداری**، سال چهاردهم، شماره ۵۸، صص ۱۸۸-۱۷۱.
۱۳. محمدآزادی، زهرا و محمدی، اسفندیار (۱۳۹۴)، "مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حق‌الزحمه حسابرسی"، **مجله دانش حسابرسی**، سال پانزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۷۶-۱۶۵.
۱۴. مهربانی، فاطمه و دادگر، یدالله (۱۳۹۲)، "محاسبه شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **سیاست‌های اقتصادی**، شماره ۱، صص ۶۸-۴۷.

15. Ahmed, A. S., and S. Duellman (2007), "Accounting conservatism and board of directors' Characteristics: An empirical analysis", **Journal of Accounting and Economics**, vol 43 (1-27).
16. Ball, R., and L. Shivakumar (2018), "Earnings quality y in UK private firms: comparative loss recognition timeliness", **Journal of Accounting and Economics**, 84.
17. Duellman, S. (2006), "Evidence on the role of accounting conservatism and corporate governance", **North Dakota State University**, North Dakota.
18. García Lara, J. M.; García Osma, B., and A. Mora (2005), "The effect of earnings management on the asymmetric timeliness of earnings", **Journal of Business Finance and Accounting**. 34 (3-4).
19. Joo Ann Ho (2009), "Association between Board Characteristics and Accounting Conservatism: Empirical Evidence from Malaysia", **Auckland University of Technology (AUT)**, on line, <http://www.ssrn.com>.
20. Lara, Garcia, J., Garcia Osma, B., Penalva, F. (2007). "Board of directors characteristics and conditional accounting conservatism: Spanish evidence". **European Accounting Review**, 6(4).
21. Larmande. F. (2015), "Shareholders Demand for Conservatism? Accounting Conservatism, Earnings Management, and the Stewardship Value of Information". **HEC Paris Research Paper Accounting and Management Control Department**, ACC-1104.
22. Rahman K,M. Bremer M.(2016), "Effective corporate governance and financial reporting in Japan", **AAMJAF**, Vol. 12 (34-49).
23. Watts, R. (2003), "Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications", **Accounting Horizons**, 17 (13-28).

تهران، میرداماد، نرسیده به میدان محسنی، خیابان حصاری، نبش کوچه دهم پلاک ۳۴

کدپستی: ۱۵۴۷۷۳۳۹۱۱

تلفن: ۲۲۲۲۷۲۲۱

فکس: ۲۲۹۰۷۶۷۲

وبسایت

www.iaaaaar.com

ایمیل

iranianiaa@yahoo.com



Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms on Accounting Conservatism in Listed Companies in Tehran Stock Exchange

Mona Jalili

MSc of Financial Management, Department of Financial Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

Abdorreza Asadi (PhD)¹©

Associate Professor of Finance, Department of Financial Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

(Received: 30 March 2020; Accepted: 24 September 2020)

Realizing the goals of corporate governance requires an efficient and effective board, so achieving this goal requires an assessment of the board's characteristics. Therefore, it is expected that the board, which is the most important and cornerstone of corporate governance, will lead to better monitoring of the performance of the director, including his obligation to observe conservative practices to protect the interests of shareholders and creditors. The present study aims to investigate the effect of corporate governance mechanisms on accounting conservatism in listed companies in Tehran Stock Exchange. The research hypotheses were tested using a sample of 645 observations of the companies between 2012 and 2016 using a multiple regression model based on panel data technique. The findings show that the size of the board, the percentage of institutional ownership and the amount of free float have a significant effect on accounting conservatism, while the percentage of ownership of the board does not have a significant effect on accounting conservatism.

Keywords: Board Size, Institutional Ownership, Board Ownership, Free Float, Accounting Conservatism.

¹ abdorrezaasadi@yahoo.com © (Corresponding Author)